

شعری را از حافظ زمزمه می کرد:
ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
محصول دعا در ره جانانه نهادیم

احمد غلامی



با احمد غلامی هم بند بودیم. چند روز بود که او را از سلول آورده بودند. در طول این چند روز با بچه هایی که از منطقه (ارتش آزادیبخش) آمده و حالا در زندان بودند، آشنا شد. از آنها خبرهایی از وضع سازمان و ارتش گرفته بود. آنها را با شور خاصی برایمان تعریف می کرد. یک بار به من گفت: «دلّم می خواهد اول ارتش آزادیبخش را ببینم بعد بمیرم». با خنده به او گفتم: «عیب ندارد آن دنیا بهشت هست که از ارتش آزادیبخش هم بهتر است». احمد با شوخی گفت: «بابا آن دنیا را چه کسی دیده؟ من همین دنیا ارتش آزادیبخش را می خواهم». احمد حوالی ۲۰ مرداد از سلول برده شد و دیگر او را ندیدم. احمد ۱۵-۱۴ سال بیشتر نداشت که در سال ۶۰ دستگیر شده بود. جثه ریز و کوچکی داشت، ولی خیلی زرنگ و تیز بود. به همین دلیل او را احمد جغل صدا می زدند.

محسن محمدباقر



محسن از دوپا فلج بود. دو عصا در دست داشت و با آنها حرکت می کرد. او قبلا در فیلم «غریبه و مه» ساخته بهرام بیضایی نقش یک بچه فلج را بازی کرده بود. شب آخر به او گفتم محسن چطوری؟ گفت مرگ حق است. روحیه اش خیلی بالا بود. در بازی فوتبال همه او را انتخاب می کردند. با عصاهایش توی دروازه می ایستاد و با حرکت دادن آنها گویی بالهایش را باز می کند و مثل یک عقاب توپ را می گرفت. وقتی صدایش زدند مثل عقابی مغرور از جا پرید. گویی منتظر همین لحظه بود.

یکی دیگر از هم‌زنجیرانش درباره او نوشته است: «محسن به راستی کوهی از اراده

و عشق بود. هیچ وقت دیده نشد که ذره‌پی در مقابل پاسداران کوتاه آمده باشد. بسیار شاداب و همیشه خندان بود. اگر کسی او را نمی‌شناخت، نمی‌توانست باور کند که پاهایش فلج است. خودش می‌گفت می‌دانی چرا در بازی فوتبال ستاره تیم هستم؟ برای این که من دوتا پای فلزی بیشتر از دیگران دارم. محسن در دروازه می‌ایستاد و توپهای زمینی را با پا و توپهای هوایی را با عصا می‌گرفت. محسن در هر برنامه و مراسم جمعی فعال و پرشور وارد می‌شد. به خصوص با تجربه و دانشی که در زمینه تاتر و نمایش داشت همیشه در تولید نمایشنامه‌هایی که در زندان به طور مخفیانه نوشته و اجرا می‌شد، کمکهای بسیار مؤثری به بچه‌ها می‌کرد. محسن محمدباقر در دوبله به فارسی تعدادی از فیلمهای کارتونی کودکان نقش داشت و در فیلمهای سینمایی فارسی نیز بازی کرده بود.

هنگامی که قتل عام زندانیان شروع شد، محسن پرشورترین و جسورانه‌ترین برخوردارها را داشت. مرتب شعر می‌خواند و پاسدارها را مسخره می‌کرد و آنها را در حضور خودشان دست می‌انداخت و بلندبلند می‌خندید و بچه‌ها را می‌خنداند.

در آن روزهای آخر یک بار گفت: من حساب همه چیز را کرده‌ام. اگر خواستند مرا دار بزنند اول یک بار پشتک می‌زنم و بعد با عصایم می‌کوبم توی سر «جواد شش انگشتی» بعد می‌روم بالای دار...» [جواد شش انگشتی از دژخیمان رژیم در زندان گوهردشت کرج است].

مجتبی غنیمتی



روزهای اول که از دادگاه برگشته بودم با مجتبی غنیمتی در یک اتاق بودم. او به حدس و گمان دریافته بود که بچه‌ها را شهید کرده‌اند. به همین دلیل بسیار ناراحت بود. به من گفت بعد از این دیگر نمی‌توانم زندگی کنم در صورتی که دوستانم قتل عام شده‌اند. به همین خاطر وقتی که زندانبان فرمی را داخل اتاق داد و از افراد خواست که اتهام خود را بنویسند، او در مقابل اتهام خودش کلمه مجاهدین را نوشت. یک ربع ساعت گذشت. مجتبی را صدا کردند. او را بردند و دیگر ندیدیمش.



غلامحسین فیض آبادی

حسین مدتها در انفرادی بود. او را برای اعدام به سلول ما آوردند. ریشش درآمده و حسابی بلند شده بود. فکر می کرد می خواهند او را به بند عمومی برگردانند. به او گفتیم فردا می خواهند اعدامت کنند. خندید و گفت: «یک فکری باید برای ریشم بکنم. اگر اعدام شوم با این ریش توی آن دنیا چه جوابی بدهم؟». بچه ها سربه سرش می گذاشتند: «تا بخواهی ثابت کنی آخوند نبوده یی می برندت قعر جهنم». حسین با اصرار از ما می خواست با ناخن گیر ریشش را بزنیم. این کار را کردیم. نگذاشت سبیلش را بزنیم. گفت می خواهد مثل موسی سبیل داشته باشد.

صبح ناصریان وقتی قیافه حسین را دید از شدت تعجب و عصبانیت فریاد کشید و او را برد.



معبود سکوتی

معبود متولد رضوانشهر، از توابع هشترطوالش، بود. او اهل تسنن بود و از سال ۶۰ تا ۶۳ را در زندانهای شمال به سربرد. پس از آزادی قصد پیوستن به مجاهدین را داشت که در مرز دستگیر گردید. این بار به شدت تحت شکنجه قرار گرفت اما با استواری دست از آرمانش برنداشت.

یک بار مزدوران در حال اقامه نماز جماعت او را دیدند و با خشمی ارتجاعی به او حمله ور شدند که: «تو که سنی هستی با این نماز جماعت خواندنت با مجاهدین با آنها اعلام همپستگی می کنی» اما معبود دست آنها را خوانده بود و با قاطعیت از سازمان حمایت می کرد.

در روز ۸ مرداد ۶۷ وقتی در برابر هیأت مرگ قرار گرفت با سرفرازی تمام هویت خود را مجاهد اعلام کرد و از مواضع سازمان دفاع کرد. پیش از او برادرش، عارف سکوتی، نیز در زندانهای گیلان به شهادت رسیده بود.

کیومرث زواره‌ای



کیومرث زواره فرزند یک خانواده ثروتمند بود. پدرش با دادن رشوه‌های کلان بارها کارش را درست کرد تا او را آزاد کنند. اما او بسیار استوار و مقاوم بود. به طوری که در سال ۶۴ در جریان انتخابات ریاست جمهوری رژیم وقتی برگه مربوطه را به او دادند تا رأی دهد روی برگه نوشت «مسعود رجوی». مزدوران برگه را ضمیمه پرونده‌اش کردند. پدرش خیلی پیگیر آزادی او بود، اما به دلیل مواضع خودش او را آزاد نمی‌کردند. پس از این که در مرداد ۶۷ او را به شهادت رساندند، پدرش در مراجعه به اوین می‌گوید: «چرا او را اعدام کرده‌اید؟». مزدوران رژیم پرونده کیومرث را می‌آورند و از لای آن برگه‌یی را نشانش می‌دهند که روی آن نوشته بود: «مسعود رجوی».

علی آدرش گرگانی



علی یکبار در سال ۶۰ دستگیر شد و تا سال ۶۴ در اوین بود. چند ماه پس از آزادی مجدداً دستگیر و به ۶ سال حبس محکوم شد. او از جمله مجاهدینی بود که در زندان با انقلاب ایدئولوژیک مجاهدین آشنا شد و با همه وجود به آن پاسخ داد. در اوایل سال ۶۷ او در جمع مجاهدین اسیر با صراحت با مسعود و مریم پیمان بست تا آخرین قطره خون خود از آرمانهای آنان دفاع کند. و با همین عهد و پیمان بود که در مرداد ماه ۶۷ وقتی در برابر دژخیمان خمینی قرار گرفت با صراحت هویت خود را مجاهد اعلام کرد. مجاهدین شهید چون محمود میمنت، صادق کریمی، علی اکبر ملا عبدالحسینی، اردشیر شیرین بخش آبکناری، رضا ثابت رفتار، جواد ناظری، حسین شریفی، هادی صابری، علی زاد رمضان، و ... همچون علی بودند که در یک پیمان جمعی انقلاب خواهر مریم را پاسخ دادند و هر یک ستاره‌یی شدند شبکوب و درخشان که در تیره‌ترین ایام ظلمت درخشیدند.

مهین قریشی



مهین دستگیری سال ۶۱ بود. اهل شمال و مادر یک فرزند بود. در اواخر سال ۶۶ وقتی که در اتاقهای در بسته بودیم، پاسداران می گفتند در حالی که در همان اتاقها بودیم، در اتاقها را باید خودمان باز بگذاریم. ما احتمال توطئه بی را می دادیم و تصمیم گرفتیم که به هر قیمت شده این کار را نکنیم. یکبار مزدوری به اتاق مهین مراجعه کرد و هر چه کرد تا او در اتاقش را باز بگذارد زیر بار نرفت. پاسدار مزدور از فرط استیصال و خشم سر مهین را در میان دستانش گرفت و چند بار به شدت به دیوار کوبید. مهین در همین حال گفت: «این ماهیت شماست که با ما چنین برخوردی داشته باشید. اما تجربه کافی نیست؟ طی این چند سال چه چیزی به دست آورده اید؟». مهین در سال ۶۷ در زمره قهرمانان به دار آویخته قرار گرفت.

طیبه خسر و آبادی



طیبه در اوایل سال ۶۱ دستگیر شده بود. او به طور مادرزادی از دو پا فلج بود و به سختی راه می رفت. اما همیشه در برابر سختیها و مشکلات که قرار می گرفت می گفت: «من انتخابم را کرده ام. غیر از جایی که مجاهدین باشند برایم جهنم است». او در تمام درگیریها و اعتصابها نقش فعالی داشت و در سال ۶۷، در حالی که حکم زندانش مدتها بود تمام شده بود، در اوین به دار آویخته شد.

محمدتقی رهنمایا



خانواده محمد مرفه بودند و او از جمله کسانی بود که به لحاظ ملاقات و امکانات در مضیقه نبود. اما در بند او همیشه با حداقل امکانات زندگی می کرد و هر چه به دست می آورد به بچه های دیگر می داد.

محمد در میان زندانیان به داشتن روحیه پر نشاط معروف بود. او به دیگران روحیه می داد و به همین خاطر با تعدادی از بچه های مقاوم دیگر به بند ۹ (بند تنبیهی) منتقل شد، در آنجا به شدت تحت فشار قرار گرفتند، اما محمد همچنان روحیه مقاوم خود را داشت تا این که در جریان قتل عام زندانیان تبریز به شهادت رسید.

محمود هوشی



محمود از میلیشیاهای پرشور تبریز بود. او بعد از شروع فاز نظامی به اتفاق برادرش مجاهد شهید رحیم هوشی دستگیر شد. اما به علت مقاومتی که کرد تنها گوشه هایی از پرونده اش لو رفت و با وجود این به او حکم اعدام تعلیقی دادند. او بیشتر مدت اسارتش را در بند تنبیهی های زندان تبریز گذراند. خنده های سرشار محمود در بین زندانیان مجاهد در تبریز معروف بود. برادرش، مجاهد شهید رحیم هوشی، در جریان عملیات پشت آشان به شهادت رسید. روزنامه اطلاعات این خبر را درج کرد و مزدوران برای شکستن روحیه محمود روزنامه را به سلولها دادند. اما او با بزرگ منشی خاصی با این مسئله برخورد کرد و از آن روز مصمم تر به مقاومتش ادامه داد تا این که در جریان قتل عام زندانیان تبریز به شهادت رسید.

ستار منصوری



ستار معلم روستا بود و در خانواده بسیار بی بضاعتی به دنیا آمد. هنگام دستگیری سرپرستی مادر پیرش را به عهده داشت. از این نظر بسیار به او فشار آوردند که تسلیم شود. اما او با روحیه بی بسیار انقلابی با مشکلات برخورد می کرد. مزدوران او را به بند ۶ زندان که محل زندانیان عادی بود تبعید کردند. رفتار ستار در آن جا به اندازه بی بر روی آنان مؤثر بود که زندانیان عادی چند هزار تومان جمع کردند و یک شب زیر بالش ستار گذاشتند تا به سازمان برسانند.

حسین شهبازی



حسین اهل کلیبر و دانشجوی پزشکی بود. در زندان مقاومت بسیار تحسین برانگیزی داشت. به طوری که عمده دوره اسارت خود را در بند ۹ زندان تبریز گذراند و هیچگاه پایش به بند عمومی نرسید. حسین یک مجاهد بسیار با انگیزه، ساده و منظم بود. هر گاه که ملاقاتی داشت اجناسی را که برایش آورده بودند بین بچه ها تقسیم می کرد. او در عین این که از سادگی و صفای بسیار زیادی برخوردار بود نسبت به مسائل سیاسی و ایدئولوژیک بسیار مسلط و حساس بود. اغلب کسانی که با او برخورد داشتند تحت تأثیر او قرار می گرفتند و خاطرات زیادی از او دارند. حسین از زمره قهرمانان به دار آویخته شده در قتل عام سال ۶۷ زندان تبریز است.

ولی بهرامیان



مزدوران خانواده ولی را تحت فشار شدید قرار دادند تا ولی را به تسلیم وادارند. اما این ترفند نیز مؤثر واقع نشد. حکم ولی اعدام تعلیقی بود. رژیم می خواست به این وسیله او را در یک اضطراب دائمی نگه دارد و به تدریج او را در هم بشکند. اما او هر روز استوارتر از گذشته می شد. عاقبت در سال ۶۷ با کینه بی که از او داشتند او را به شهادت رساندند.

جمشید مودی



جمشید یکی از کشتی گیران مشهور تبریز بود. وقتی دستگیر شد به شدت مقاومت کرد و رژیم نتوانست کوچکترین اطلاعاتی از او به دست آورد. از این نظر نیز در میان زندانیان شاخص شد. در جریان قتل عام مدتی بود که مدت محکومیتش به پایان رسیده بود و به اصطلاح داشت ملی کشی می کرد.

آذر کوثری



آذر در یک خانواده بسیار فقیر در جاده ساوه به دنیا آمده بود و از همان کودکی با چهره سیاه فقر آشنا شد. او به همین دلیل نتوانسته بود به تحصیل خود ادامه دهد. آذر را به خاطر کمک مالی به سازمان دستگیر کرده بودند و به ۱۵ سال حبس محکوم شده بود.

او در زندان بسیار فعال و از مجاهدین مقاوم بود که هیچ گاه در برخورد با پاسداران درنگ نمی کرد. در اعتصابها نقش بسیار چشمگیری داشت و با شجاعت به استقبال مشکلات می رفت. او از جمله خواهران مجاهدی است که در جریان قتل عام در اوین به شهادت رسید.

داریوش کی نژاد



داریوش کی نژاد یک زرتشتی و هوادار مجاهدین بود. او در سال ۶۳ دستگیر شده بود و تا سال ۶۶ با هم بودیم. از آن جا که حاضر به مصاحبه ویدئویی و محکوم کردن مجاهدین نشده بود آزاد نشده و در بند ملی کاشا بود. او در روز ۱۲ مرداد به جوخه اعدام سپرده شد.

شهریار فیضی



شهریار فیضی در اولین سری اعدامها در ماه مرداد به شهادت رسید. شهریار در اول مرداد ۶۰ دستگیر و به حدی شکنجه شده بود که عضلات دو دستش از کار افتاده بود. هر دو پایش به سختی مجروح شده بود و آثار عمیق شکنجه های وحشیانه بر روی آن دیده می شد. هر کس که آثاری از شکنجه را روی بدن خود داشت زودتر اعدام می کردند. او را در اولین سری اعدامها به شهادت رساندند.

مهری محمدرحیمی



مهری محمدرحیمی با مقاومتش بازجوها را واقعا کلافه کرده بود. قبل از شروع قتل عامها مجتبی حلوائی آمد توی سلول و مهری را از بین همه ما بیرون کشید و شروع کرد به کتک زدن. حلوائی ضمن کتک زدن مهری می گفت: «از دست شما دیگر ذله شده ایم. دیگر نمی دانیم چه کار کنیم. به هر ساز شما رقصیدیم ولی باز دوباره شما هر کاری که دلتان می خواهد می کنید». همین طور با کتک مهری را به سلول های ۲۰۹ برد و بعد از آن بردن بچه ها به دادگاهها آغاز شد.

مادر عیدی پور



مادر عیدی پور از مادران شیراز بود که یکی از فرزندان را در سال ۶۴ و دیگری را در سال ۶۷ تیرباران کرده بودند. او هر هفته بر سر مزار فرزندان می رفت و در آن جا با صدای بلند و کلمات محکمی علیه خمینی حرف می زد و دجال را لعنت می کرد. مادر را بر سر مزار فرزندان دستگیر کردند و بعد از مدت کوتاهی تیرباران کردند.

مهدی عربی خادر



مهدی عربی خادر، کشاورز زحمتکش و مقاوم اهل روستای خادر از توابع شانندیز خراسان بود. از همان اولین ساعت ورود به زندان نشان داد که سرفرازانه از مواضع سیاسی و هویت ایدئوژیک خود به عنوان یک مجاهد خلق به هر قیمت دفاع خواهد کرد. در آخرین ملاقاتی که خانواده اش با او داشته اند به وی گفته بودند: «کوتاه بیا تا آزادت کنند». مهدی قهرمان قاطعانه به خانواده اش پاسخ داده بود: «مگر خون من از خون سایر مجاهدین رنگین تر است. وانگهی اگر آزاد هم بشوم به هر ترتیب ممکن خودم را به ارتش آزادیبخش خواهم رساند».



مجاهد شهید ابراهیم
صحراگرد با پلاک
افتخار ۸۵۶۹۲
(عکس از پرونده
زندانی وی می باشد)



مجاهد شهید محمد
ذاکری . دژخیمان
پیکر پاکش را همراه
با گروهی دیگر از
همزنجیرانش پس از
حلق آویز به داخل
چاه انداختند



مجاهد دیگری از
دلیران قشقایی
مجاهد شهید
ابراهیم بهادری
قشقایی کشکولی



از راست قاب عکس
اول، مجاهد شهید
حسن فرقانیان



مجاهد شهید
اشرف معزی یا
سلاح شرف



تاپستان ۶۱ -
پادگان خسروآباد
مجاهد شهید
کمال الدین
منصوریان طبائی

... تو را خدا
نگهدار که می روم
به سوی
سرنوشت ...
مجاهد شهید احمد
سیدیان همراه با
دخترش زهره



در این راه باید با
عزیزان وداع کرد ...
مجاهد شهید
امیر هوشنگ
هادیخانلو



مجاهد شهید عباس
بازارپور
(عمو عباس)
شیر شبانکاره و
کوهمرد عشق و
مقاومت





از چسپ نفر دوم
ایستاده، مجاهد شهید
مهندس (حسین) رزاقی
عضو تیم ملی امید
ایران. مجاهد شهید
حبیب خبیری کاپیتان
تیم ملی فوتبال ایران
نیز در عکس دیده
می شود



جلو صف، مجاهد
شهید داور
غفارزادگان
راهنما و پیشواز فتح
یالها و قلدها

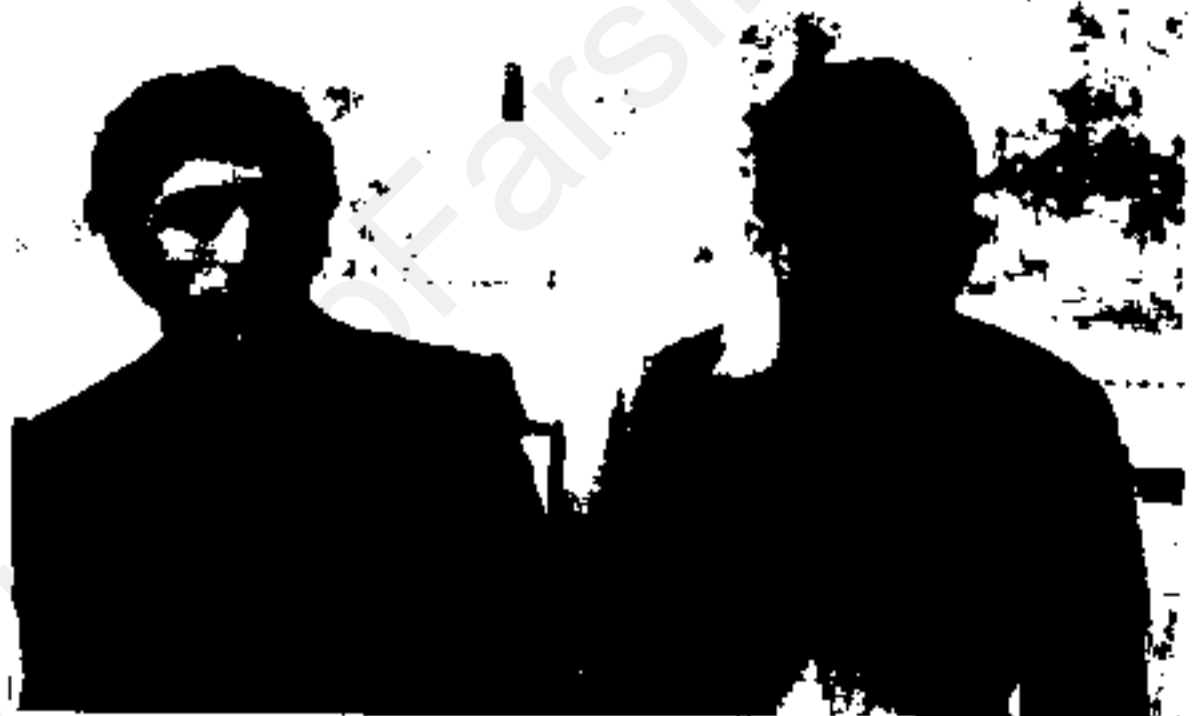


نفر ایستاده مجاهد
شهید محمد
جنگ زاده

از چپ، مجاهد
شهید محمود
پولچی شهید
قتل عام سال ۶۷ به
همراه جاودانه فروغ
آزادی مجاهد شهید
فرهاد موسی پور
لفمجانلی



از چپ، مجاهد
شهید مسعود ناصری
رازیلیقی در کنار
مجاهد شهید علی
حیدری که یک سال
پس از شهادت او
وی نیز به شهادت
رسید



دو برادر، دو هم‌رزم
مجاهدین شهید
فرهاد و فرخ جره





از چپ قاب عکس
دوم، مجاهد شهید
احمد غلامی که از
۱۳ سالگی در زندان
بسر می برد



مجاهدین شهید مریم
و رضا محمدی
بهمن آبادی.
دژخیمان مریم را که
از شدت شکنجه فلج
شده بود با صندلی
چرخدار به پای
چوبه دار بردند



مجاهد شهید
غلامعباس
حق شناسی

مجاهد شهید زهرا
نیاکان به همراه
برادرش مجاهد
شهید حسین نیاکان،
در کنار تصویب
عمویشان مجاهد
شهید حیدر نیاکان
که در سال ۶۱ به
شهادت رسید



مجاهد شهید
مجتبی غنیمتی
همراه با خواهرش
جاودانه فروغ
آزادی فاطمه
غنیمتی



مجاهد شهید
محمد رضا شریعتی





در مسلخ عشق جز
نکو را نکشند...
مجاهد شهید حسن
شکراللهی یان چشمه

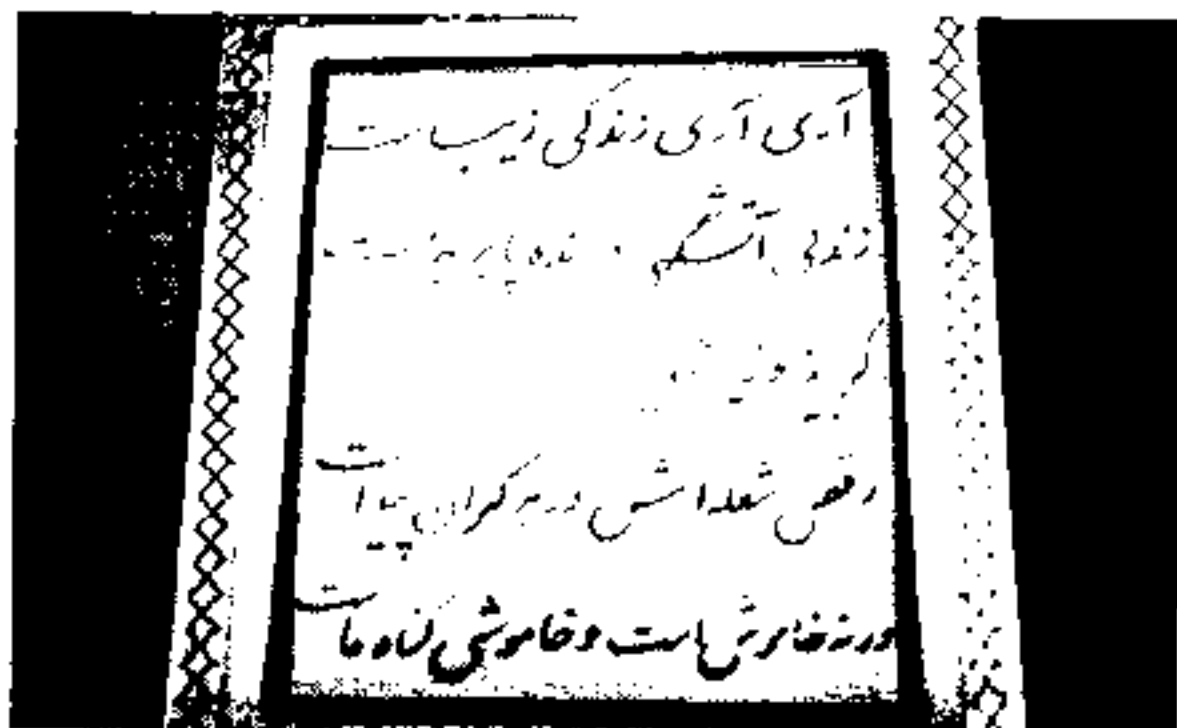


تا معبد آزادی منزلی
دیگر در پیش است،
پس حسرت
می کنیم...
مجاهد شهید
عزت الله کیااحمدی



مجاهد شهید منصور
عسگری

پرواز را به خاطر
 بسیار.
 مجاهد شهید محمد
 اسماعیل کردجری
 همراه با نقاشی و
 دستخط یادگاریش بر
 روی آلبوم دست ساز
 خودش در زندان
 ساری

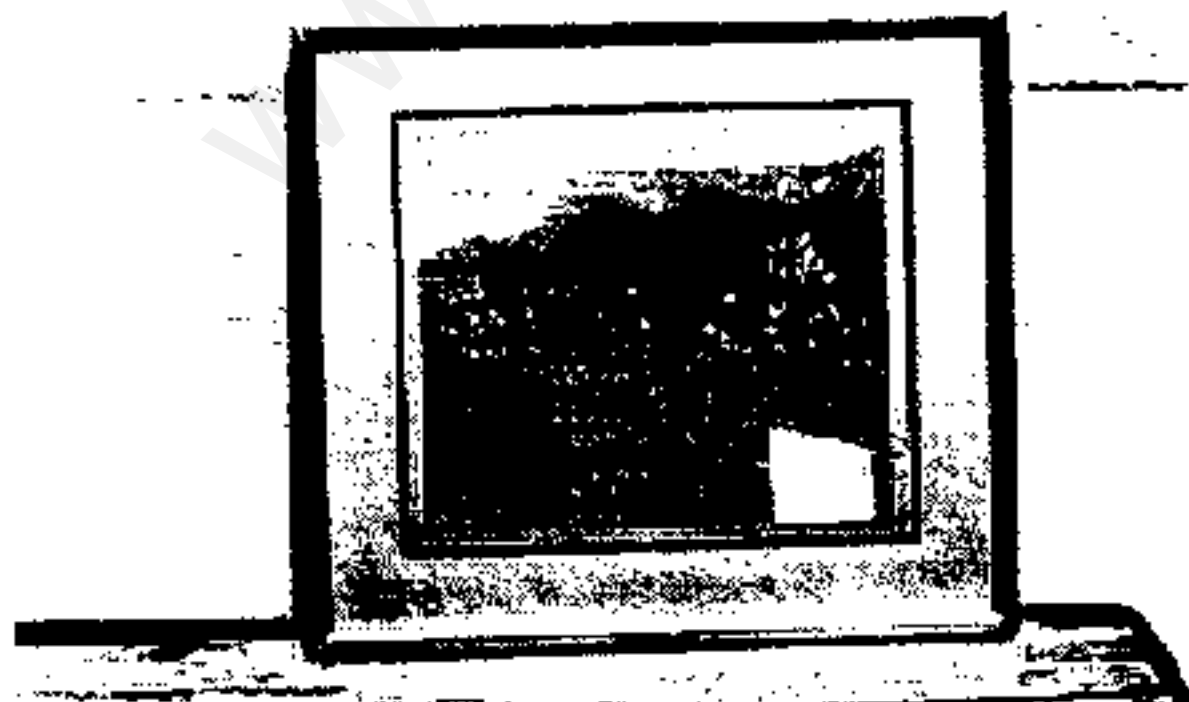




مجاهد شهید
محسن محمد باقر
در صحنه‌یی از فیلم
غربیه و مه



آخرین عکس از
آخرین دیدار مجاهد
شهید مه‌ران
صمدزاده با
خانواده اش



شقایقها در پشت
دیوار شکنجه گاه
تابلوی گلدوزی
شده توسط مجاهد
شهید فرشته حمیدی

در وصال پیشوایان
آزادی ...
مجاهد شهید
غلامرضا محمدی
سروستانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ

شماره

نام و نام خانوادگی: شهید محمد سعید محمدی



بسم الله الرحمن الرحيم
آنگاه که در این مملکت خود را
از راه مبارک ملک قوت سوزت
بناشود این عزیز که تلفد و
مکرمه بیخود آنگاه در فتنی ساریت
مجلس خجسته دار

و سلام بر او روزی
که در بهاران
خجسته ایران زمین
شکفته خواهد
شد ...

یادگار مجاهد شهید
عبدالله سعیدی

آدرس فرستنده: زینب (لویج) - پ. م. ۲۶۹ - سلمه - اهواز - ۱۹ -

روسخ پشت صفحه نوشته شود



کارزار
جهانی

www.KetabFarsi.com

کارزار جهانی

در پی دریافت اولین خبرها مبنی بر دستور خمینی برای قتل عام زندانیان سیاسی در زندانها، رهبر مقاومت طی تلگرامهای متعددی به دبیرکل ملل متحد و دیگر مراجع بین‌المللی، ضمن افشای جنایت پلید خمینی، خواستار محکومیت رژیم و اعزام نمایندگان برای بازدید از زندانها در ایران و اقدام فوری برای جلوگیری از قتل عامها شد. این تلگرامها مبنای جنبشی شد که مقاومت ایران در سطح بین‌المللی برای توقف قتل عامها و محکومیت رژیم خمینی آغاز کرد.

۱۲ مرداد ۶۷: مسئول شورای ملی مقاومت، طی تلگرامی به دبیرکل ملل متحد، اعدام جمعی گروهی از مردم بیگناه کرمانشاه در ملاءعام را به اطلاع وی رساند و خواستار اقدام فوری در قبال خونریزیهای وحشیانه خمینی گردید.

۲۶ مرداد ۶۷: مسئول شورا طی تلگرامی به دبیرکل ملل متحد و رهبران ۵ عضو دائمی شورای امنیت در رابطه با اعدامهای گسترده در ایران، نوشت: «موسوی اردبیلی، رئیس دیوانعالی رژیم خمینی، اخیراً اعلام کرده که اعدام مجاهدین و هواداران آنها که تاکنون در گروههای ۱۰ و ۲۰ نفره صورت می‌گرفت، دیگر نیازمند هیچ‌گونه محاکمه‌یی نیست. چنان که خود رژیم خمینی در رسانه‌های خبریش اذعان کرده است، تیرباران و حلق‌آویز کردن گروههای مردم و جوانان بیگناه، از جمله در شهرهای ایلام، کرمانشاه، کنگاور، اسلام‌آباد و کرند که از مدتی پیش آغاز شده، هنوز ادامه دارد و هر روز بر ابعاد دستگیریها و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی افزوده می‌شود».

۳ شهریور ۶۷: مسئول شورای ملی مقاومت تلگرامی به دبیرکل ملل متحد

در رابطه با دستگیریهای گسترده و قتل عام زندانیان سیاسی ارسال کرد. در این تلگرام از جمله آمده است: «طبق اطلاعات موثق، خمینی چند هفته پیش طی حکمی به خط خودش، دستور اعدام زندانیان سیاسی مجاهد خلق را صادر کرده و متعاقباً همزمان با موج گسترده دستگیریهای سیاسی در شهرهای مختلف، اعدام جمعی زندانیان سیاسی که بسیاری از آنان دوره محکومیتشان پایان یافته، آغاز گردیده است. به عنوان مثال فقط در روزهای ۲۳، ۲۴ و ۲۵ مرداد، ۸۶۰ جسد از زندانیان سیاسی اعدام شده از زندان اوین تهران به گورستان بهشت زهرا انتقال داده شده است».

۹ شهریور ۶۷: تظاهرات جهانی هواداران مقاومت علیه موج قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی در آلمان (بن)، آمریکا (نیویورک)، فرانسه (پاریس)، انگلستان (لندن)، یونان (آتن)، پاکستان (کراچی)، سوئیس (ژنو)، سوئد (استکهلم) و دانمارک (کپنهاگ) برگزار شد.

۹ شهریور ۶۷: یک هوادار مجاهدین در تظاهرات آمریکا در اعتراض به قتل عام زندانیان سیاسی، دست به خودسوزی زد. وی مهرداد ایمن نام داشت و در ۱۹ شهریور بر اثر شدت سوختگی در بیمارستان به شهادت رسید.

۱۱ شهریور ۶۷: به دنبال تلگرام رهبر مقاومت ایران به دبیرکل ملل متحد، که رونوشت آن برای عفو بین الملل ارسال شده بود، سازمان عفو بین الملل بیانیه‌ی در محکومیت رژیم خمینی و در اعتراض به اعدامهای سیاسی در ایران صادر کرد و خواستار اقدام فوری برای توقف این اعدامها شد.

۲۳ تا ۳۱ شهریور ۶۷: تظاهرات جهانی هواداران مقاومت علیه موج اعدامهای جمعی در کشورهای کانادا، نروژ، بلژیک، هلند، استرالیا و هند برگزار شد.

۸ مهر ۶۷: صدها نماینده از پارلمانهای کشورهای مختلف جهان به اعدامهای وحشیانه و دستجمعی زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی اعتراض کرده و آن را محکوم کردند.

۱۰ مهر ۶۷: در قطعنامه کنگره حزب کارگر انگلستان، جنایتهای اخیر رژیم خمینی و اعدام شمار زیادی از زندانیان سیاسی در ایران محکوم شد. هیأت نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران در این کنگره، که هشتمین کنگره سالانه حزب کارگر انگلستان بود، شرکت کرد.

۱۵ مهر ۶۷: ۹۲۳ تن از نمایندگان پارلمانهای ۱۴ کشور اروپا و پارلمان اروپا و ۵۳ تن از رهبران احزاب سیاسی و سندیکاهای کارگری و شخصیتهای اجتماعی با

صدور بیانیه‌ی قتل عام وحشیانه زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی را محکوم کرده و از شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران حمایت به عمل آوردند.

۲۲ مهر ۶۷: عفو بین الملل اعدامهای مخفیانه و استفاده مداوم از شکنجه توسط رژیم خمینی را در گزارش سالانه خود محکوم کرد.

۲۲ مهر ۶۷: پارلمان اروپا طی قطعنامه‌ی نقض حقوق بشر و اعدام گسترده زندانیان سیاسی در ایران را محکوم کرد و خواستار خاتمه اعدام و شکنجه در زندانهای خمینی شد. در پی تصویب این قطعنامه، نمایندگان مجاهدین خلق ایران با نمایندگان پارلمان اروپا از جمله ۳ تن از معاونان، ۳ تن از رؤسا و معاونان فراکسیونها و ۱۵ تن از رؤسا و معاونان کمیسیونهای مختلف پارلمان اروپا دیدار و در باره راههای مقابله با این جنایات وحشیانه در صحنه بین المللی گفتگو کردند.

۲۳ مهر ۶۷: ۱۷۰ نفر از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا، طی نامه‌ی خطاب به دبیرکل ملل متحد خواستار اعزام یک هیأت بین المللی به ایران برای تحقیق پیرامون قتل عام زندانیان سیاسی شدند.

۲۸ مهر ۶۷: وزیر خارجه استرالیا طی نامه‌ی به هواداران مجاهدین در این کشور، نگرانی خود را نسبت به نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی اعلام کرد.

۲۸ مهر ۶۷: یکی از نمایندگان پارلمان استرالیا در محکومیت جنایتهای رژیم خمینی و اعدام زندانیان سیاسی و در حمایت از مجاهدین در پارلمان این کشور سخنرانی کرد.

۲۹ مهر ۶۷: مجلس نمایندگان آمریکا قطعنامه‌ی تصویب کرد که در آن، روز ۳۰ خرداد به عنوان روز ملی برای «یادبود زندانیان سیاسی در ایران» نامگذاری شد. این قطعنامه از رئیس جمهور آمریکا می خواهد که بیانیه‌ی صادر کند و از مردم آمریکا بخواهد تا این روز را با مراسم و اقدامهای مناسب گرامی بدارند.

۲۹ مهر ۶۷: دکتر کاظم رجوی طی یک سخنرانی در کنگره سراسری حزب سوسیالیست سوئیس، نقض شدید حقوق بشر در ایران به ویژه موج اعدامهای جمعی و دستگیریهای گسترده‌ی را که اخیراً توسط رژیم خمینی صورت گرفت، افشا کرد.

۳۰ مهر ۶۷: کمیته هندی حمایت از حقوق بشر در ایران، موج اعدامهای جمعی زندانیان سیاسی در ایران توسط رژیم خمینی را محکوم کرد. دبیر سراسری جوانان حزب جاناتا ضمن اعلام این موضوع، خطاب به نماینده مقاومت ایران، گفت: «دیروز مردم ما سمبل شیطان را به آتش کشیدند و من مطمئنم که شما روزی رژیم

خمینی را سرنگون خواهید کرد».

۱۳ آبان ۶۷: ۲۴۴ تن از نمایندگان پارلمان، رهبران احزاب و شخصیت‌های سیاسی هند با استناد به تلگرام‌های رهبر مقاومت، طی تلگرامی به دبیرکل ملل متحد، خواستار جلوگیری از شکنجه و اعدام‌های جمعی در ایران شدند.

۱۹ آبان ۶۷: دبیرکل فدراسیون ملی زنان هند، در نامه‌یی به رهبری مقاومت، سرکوب بیرحمانه مردم ایران توسط رژیم خمینی را به شدت محکوم کرد.

۱۹ آبان ۶۷: برای پنجمین بار عفو بین‌الملل بیانیه‌یی در محکومیت موج کشتار جمعی زندانیان سیاسی در شکنجه‌گاه‌های خمینی صادر کرد.

۱۹ آبان ۶۷: در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی، هواداران شورای ملی مقاومت، در آلمان آکسیون‌های افشاگرانه‌یی برپا کردند.

۲۰ آبان ۶۷: ۱۴۰ تن از نمایندگان پارلمان اروپا علیه اعدام‌های گسترده اخیر و شکنجه زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی بیانیه‌یی صادر کردند.

۲۰ آبان ۶۷: ۱۱ سناتور آمریکایی در اعتراض به اعدام گسترده زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر در ایران، به دبیرکل سازمان ملل متحد نامه نوشتند و خواستار اقدام فوری وی شدند.

۲۴ آبان ۶۷: مسئول شورای ملی مقاومت درباره اعدام گروهی از روحانیون اطلاعیه‌یی صادر کرد. مسئول شورا در این اطلاعیه یادآور شد: «خمینی و رفسنجانی با کشتار اخیر می‌خواهند به وضوح به سایر ملاحا بفهمانند که عاقبت هرگونه ناسازگاری و نارضایتی حتی در درون این رژیم درهم شکسته و آبرو باخته، چیزی جز مرگ نیست و هیچ‌یک از باندهای درون رژیم نباید روی تبلیغات مربوط به میانه روی و باز شدن فضای سیاسی که تنها مصرف خارجی دارد، حساب باز کند».

۲۷ آبان ۶۷: بیش از ۱۷۰۰ تن از نمایندگان پارلمان‌های ۱۸ کشور جهان و پارلمان اروپا، رهبران احزاب سیاسی و سندیکاهای کارگری و شخصیت‌های اجتماعی، در محکومیت اعدام‌های گسترده زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی و حمایت از درخواست رهبر مقاومت ایران برای بازدید از شکنجه‌گاه‌های رژیم، نامه‌یی به دبیرکل ملل متحد ارسال کردند.

۲۶ تا ۲۹ آبان ۶۷: هیجدهمین کنگره جنبش بین‌المللی آموزش و پرورش سوسیالیست (فالکون) در اتریش طی قطعنامه‌یی اعدام‌های جمعی زندانیان سیاسی طی ۴ ماه گذشته، توسط رژیم خمینی را قویاً محکوم کرد و از مقاومت ایران،

حمایت به عمل آورد. بنا به دعوت رسمی این کنگره، هیأتی از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران در آن شرکت کرد و با هیأت‌های مختلف در این کنگره دیدار و گفتگو نمود.

۳۰ آبان ۶۷: کنفرانس مطبوعاتی چند تن از مجاهدین شکنجه شده در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک در آستانه بررسی نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی در مجمع ملل متحد برگزار شد.

اول آذر ۶۷: دفتر مجاهدین با صدور اطلاعیه‌ی اعلام کرد کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی بلاوقفه ادامه دارد.

۴ آذر ۶۷: مسئول شورای ملی مقاومت تلگرام دیگری به دبیرکل ملل متحد پیرامون قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی ارسال کرد. در این تلگراف آمده است: «موج فزاینده اعدامها در ایران به دستور شخص خمینی همچنان ادامه دارد».

۵ آذر ۶۷: اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج کشور، هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، اعلام کرد، در همبستگی با زندانیان سیاسی در اعتراض به ادامه کشتارهای جمعی توسط رژیم خمینی، دست به اعتصاب غذای سراسری در ۱۵ کشور جهان خواهد زد.

۷ تا ۹ آذر ۶۷: سازمانهای عضو شورای ملی مقاومت با صدور اطلاعیه‌های جداگانه‌ی حمایت و همبستگی خود را با اعتصاب غذای بزرگ جهانی اعلام کردند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه هویت، استاد متعهد دانشگاهها و مدارس عالی کشور، جمعیت دفاع از دموکراسی و استقلال ایران (داد)، از جمله این سازمانها بودند.

۹ آذر ۶۷: کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد، رژیم خمینی را به خاطر نقض شدید حقوق بشر محکوم کرد.

۱۰ آذر ۶۷: مریم رجوی طی پیامی خطاب به هموطنان مقیم خارج کشور و همه شرکت کنندگان در اعتصاب غذای بزرگ جهانی، پیروزی سیاسی مقاومت ایران را تبریک گفت و تأکید کرد که تلاشهای افشاگرانه آنها در ۴ قاره جهان در مصوبه کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد مبنی بر محکومیت رژیم خمینی به ثمر نشسته است.

خواهر مجاهد مریم رجوی در پیام خود گفت: این جنایتهای ددمنشانه قبل از هر چیز حتمیت سرنگونی دیکتاتوری پوسیده خمینی را در تمامیت آن مهر می کند. به خصوص که اکنون راه حل مردمی و انقلابی در کمینگاه است و با عبور سرفرازانه از

حماسه کبیر فروغ جاویدان هیچ مجالی برای نجات رژیم زهر خورده خمینی از طریق راه‌حلهای ارتجاعی - استعماری باقی نگذاشته است. در چنین شرایطی است که بار دیگر پرچم مقاومت و شرف ایران و ایرانی در سراسر جهان توسط شما به اهتزاز درمی آید و این اعتصاب غذای جهانی با شرکت هزاران ایرانی آزاده در ۱۵ کشور جهان، و از جمله در برابر مراکز اصلی ملل متحد در نیویورک و ژنو، صدای خلق قهرمان و درزنجیر ایران را به گوش جهانیان می‌رساند.

این مقاومت و نبردی است تا پیروزی که از سلولهای اوین تا اعماق قلوب خلق به ویژه خانواده‌های داغدار و رنج‌دیده شهیدان و زندانیان سیاسی و از قرارگاههای ارتش آزادی در نوار مرزی تا تلاشهای افشاگرانه شما در ۴ قاره با رزم و رنج مستمر شعله می‌کشد و بی تردید دیکتاتوری زهر خورده خمینی را از بنیاد خواهد سوزاند و خاکسترش را به باد فنا خواهد سپرد.

۱۱ آذر ۶۷: دفتر مجاهدین با صدور اطلاعیه‌ی با ذکر برخی جزئیات اعلام کرد پس از آتش بس تاکنون ۱۲ هزار زندانی سیاسی در ایران اعدام شده‌اند.

۱۱ آذر ۶۷: در پی محکومیت رژیم خمینی در کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد، رفسنجانی آشفته و سراسیمه به صحنه آمد و گفت: «این تبلیغات کذب و عجیب و غریبی که در اروپا و کشورهای غربی منافقین راه انداخته‌اند که چند هزار نیروهای اینها در ایران اعدام شده، همه نشان این است که خودشان را از بن بست بیرون بیاورند. هیچ راهی جز سرکوب آنها نیست، آنها را باید سرکوب کنیم».

۱۱ آذر ۶۷: شمار نمایندگان پارلمانها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی که از ۱۸ کشور جهان با ارسال تلگرام به دبیرکل ملل متحد اعدامهای گسترده زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی را محکوم کردند، به بیش از ۱۸۰۰ تن رسید.

۱۱ آذر ۶۷: در جریان بررسی قطعنامه محکومیت شدید خمینی در چهل و سومین مجمع عمومی ملل متحد، محلاتی، نماینده خمینی در سازمان ملل متحد، سخت به دست و پا افتاد و در سخنرانی خود در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، با دجالگری و تزویر ادعا کرد که اگر مجمع عمومی از محکوم کردن رژیم صرف‌نظر کند، رژیم خمینی خواهد گذاشت که سازمانهای بین‌المللی از زندانهایش دیدن کنند. وی هم چنین از افشاگریهای مجاهدین به سوز و گداز پرداخت و گفت منبع اصلی گزارشهای ارائه شده به نماینده ملل متحد، مجاهدین هستند.

۱۲ آذر ۶۷: دکتر کاظم رجوی، فرستاده ویژه مسئول شورای ملی مقاومت به

اجلاس مجمع عمومی ملل متحد، در مصاحبه‌یی با رادیو صدای مجاهد، در مورد حجم فعالیت‌های مقاومت برای محکوم شدن رژیم در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از جمله گفت: طی ماه گذشته ما بیش از ۱۰۰ ملاقات حضوری با رؤسای هیأت‌های نمایندگی ۱۰۰ کشور جهان در نیویورک انجام دادیم و با اسناد و مدارک جنایت‌های رژیم را بازگو کردم... لیست اسامی و مشخصات حدود ۲۰۰ نفر از کسانی که اخیراً در ایران به دستور خمینی اعدام شده‌اند در صدها نسخه در بین اعضای هیأت‌های نمایندگی کشورها در سازمان ملل متحد و سازمان‌های ناظر توزیع شد.

۱۴ آذر ۶۷: دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران با صدور اطلاعیه‌یی اعلام کرد در صدها مورد بین ۲ تا ۶ تن از اعضاء یک خانواده اعدام شده‌اند. کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی به شدت ادامه دارد.

۱۸ آذر ۶۷: مجمع عمومی ملل متحد قطعنامه‌یی را با اکثریت قاطع آراء در محکومیت نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی تصویب کرد.

رهبر مقاومت بلافاصله پس از تصویب این قطعنامه، به شرکت کنندگان در اعتصاب غذای پیروزمند جهانی پیام فرستاد و اعلام کرد: اعتصاب غذای جهانی شما به نتیجه رسید و پیروز شد... رژیم خمینی به رغم تمام تشبثات و زدوبندها و التماس‌های سرانجام به یمن حرکت پاکبازانه شما بزرگترین ضربه سیاسی پس از خوردن زهر آتش بس را در سطح بین‌المللی دریافت نمود. به تمام مردم ایران، به خانواده شهیدان و زندانیان سیاسی و به مردم و شما باید صمیمانه تبریک و تهنیت گفت. هم چنین درخواست می‌کنم بر اعتصاب غذای خود خاتمه بدهید. درود بر شما و عزم پولادیتان که غنوده بر سنگفرش سرد خیابانها، گرسنه و دردمند در بحبویه سوز و سرمای که گاه تا ۲۰ درجه زیر صفر می‌رسید، ضربان نبض میهن اسیر و خونبار خود را در تمامی جهان طنین افکن نمودید. دعوت به اعتصاب غذا برای یک هفته بود، اما شما اکنون دهمین روز را سپری کرده‌اید.

درباره تأثیر حرکت قهرمانانه و جهانی شما بر رژیم جنایتکار خمینی، تنها به ذکر این نکته بسنده می‌کنم که امسال در شرایطی که دشمن به شدت نیازمند این بود که پس از آتش بس در جنگ ایران و عراق با محکومیت بین‌المللی در زمینه حقوق بشر مواجه نشود، عدم مشروعیتی که قطعنامه مصوب بین‌المللی متوجه این رژیم می‌سازد خیلی برایش سنگین است. به همین دلیل سردمداران رژیم امسال به غایت تلاش کردند تا هر طور شده مانع تصویب قطعنامه محکومیت